

۵
 سدم غسل نورزنده ما بنهندارند
 چو برون شفق گنبدم و ناید بیدم
 چو آن ستاره که لرزید تا سپیده صبح
 شب سایه به سر برده، در صند گنبدم
 نه تا ج زهره، نه زنا، زنگار زحل
 سراره ای که ز افروزه برگزیدم
 به کام سیره خود کاکشان دراز گنبد
 به جام روشن از زارگان بنیدم
 به شوق دیدن دریا و دن، در عشق ها
 چو قطره ای که ز امیری فرو گنبد
 فرار ما که بود سایه سار، جلجله
 گواه ما، که بام آورد نویدم
 نه ~~کس~~ گون زار، نغمه، رویدم
 نه ~~کس~~ و کلویه ~~کس~~ امیدم
 نه ~~کس~~ نغمه و ~~کس~~

۱ سپتامبر ۱۹۱۸

ترانه

